

امام متقین علیه السلام:

آن که پنهان و آشکارش، کردار و گفتارش با هم مخالف نباشد، امانت الهی را ادا کرده و بندگی خدا را خالصانه انجام داده است.

نهج البلاغه، نامه ۲۶

امام متقین علیه السلام:

کسی که امانت را خوار شمرد و در خیانت گام بردارد و خود و دین اش را از آن منزّه نسازد، درهای ذلت و رسوایی را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و سوارتر خواهد بود.

نهج البلاغه، نامه ۲۶

امام متقین علیه السلام:

اعتصموا بالذم فی اءوتادها.
میخ های عهد و پیمان را محکم کنید.

نهج البلاغه، حکمت ۱۵۵

امام متقین علیه السلام:

پیروزی به وسیله دوراندیشی و دوراندیشی با به کار انداختن فکر و به کار انداختن فکر با محکم نگه داشتن راز به دست می آید.

نهج البلاغه، حکمت ۴۸

امام متقین علیه السلام:

خداوند پیامرزد کسی را که سخن حکیمانه بشنود و آن را فرا گیرد و به جانب حق هدایت شود و آن را بپذیرد... و آرزوهای نا به جا را تکذیب کند و صبر را وسیله نجات خویش قرار دهد

نهج البلاغه، خطبه ۷۶

امام متقین علیه السلام:

اخذ الله بقلوبنا و قلوبكم الى الحق، و اءلهمنا و ایاکم الصبر
خداوند دل های ما و دل های شما را به سوی حق متوجه سازد و به ما و شما صبر الهام فرماید

نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳

امام متقین علیه السلام:

اطرح عنک واردات الهموم بعزائم الصبر و حسن الیقین
اندوه ها را با صبری استوار و یقینی نیکو از خود دور کن

نهج البلاغه، نامه ۳۱

امام متقین علیه السلام:

استعن بالله علی ما اءهمک.
بر آن چه تو را اندوهگین می کند از خدا کمک بخواه

نهج البلاغه، نامه ۴۶

امام متقین علیه السلام:

خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده. و
نیکو خصلتی است صبوری کردن در راه حق
نهج البلاغه، نامه ۳۱

امام متقین علیه السلام:

اگر (به رنج و ناراحتی) مبتلا شدید، شکیبایا باشید که
عاقبت (پیروزی) با پرهیزگاران است.
نهج البلاغه، خطبه ۹۸

امام متقین علیه السلام:

استعشروا الصبر فانه ادعى الى النصر
شکیبایی را شعار خود سازید که به نصرت و پیروزی
فراخواننده تر است.
نهج البلاغه، خطبه ۲۶

امام متقین علیه السلام:

بالحلم عن السفیه، تكثر الانصار علیه
بردباری کردن در برابر نادان یاران انسان را بر ضد او زیاد
می کند.
نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴

امام متقین علیه السلام:

هر که خداوند به او ثروتی دهد، باید به خویشاوندان خود
رسیدگی کند... و در راه ادای حقوق (مالی خود) و مصایب و
گرفتاری ها، خود را به صبر وادارد
نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲

امام متقین علیه السلام:

بر شما باد که صبر و بردباری پیشه کنید؛ زیرا همان
گونه که سر نشانه حیات بدن است، صبر نیز دلیل ایمان
است. و بدنی که سر در آن نباشد خیر و حیات در آن نیست و
ایمانی که تواءم با صبر نباشد ارزشی ندارد.
نهج البلاغه، حکمت ۸۲

امام متقین علیه السلام:

من لم یجبه الصبر اءهلكه الجزع.
هر کس که شکیبایی نجاتش ندهد، بی تابیش نابودش کند.
نهج البلاغه، حکمت ۱۸۹

امام متقین علیه السلام:

الصبر صبران: صبر علی ما تکره، و صبر عما تحب
صبر بر دو گونه است: صبر بر پیشامدی که کراهت
داری و صبر بر ترک چیزی که دوست داری
نهج البلاغه، حکمت ۵۵

امام متقین علیه السلام:

حلم پرده ای پوشنده و عقل شمشیری برنده است. پس
عیب های اخلاقی ات را با حلم بیوشان و هوس های
سرکشت را با عقل از بین ببر
نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴

امام متقین علیه السلام:

آله الریاسه سعه الصدر.
گشادگی سینه (سعه صدر) ابزار ریاست است.
نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶

امام متقین علیه السلام:

الاحتمال قبر العیوب.
تحمل، گور عیب ها است.
نهج البلاغه، حکمت ۶

امام متقین علیه السلام:

هرگاه به آن چه خواستی دست نیافتی، پس آن چه در
آن هستی (یعنی دست نیافتن به آن چه می خواستی)
باک نداشته باش و اندوه به خود راه میده
نهج البلاغه، حکمت ۶۹

امام متقین علیه السلام:

من حلم لم یفرط فی امره. و عاش فی الناس حمیدا
کسی که بردبار باشد در کار خود کوتاهی نکند. و در
میان مردم خوش نام زندگی خواهد کند
نهج البلاغه، حکمت ۳۱

امام متقین علیه السلام:

من اصبح یشکو مصیبه نزلت به. فقد اصبح یشکور به
هر کس از مصیبتی که به او وارد شده به خلق شکایت
برد. محققا از پروردگار خود شاکی است
نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸

امام متقین علیه السلام:

اغض علی القذی و الالم ترض ابدا
نامایمات و رنج ها را تحمل کن تا همواره خرسند باشی
نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳

امام متقین علیه السلام:

(در هنگام وفات خویش فرمود) خدا را خدا را! درباره
همسایگانان که آنان سفارش شده پیامبر شمایند. پیامبر
صلی الله علیه و آله پیوسته درباره همسایگان سفارش می
کرد چندان که گمان بردیم آن ها را ارث بر قرار خواهد داد.

امام متقین علیه السلام:

هان! مبادا از خویشاوند نیازمند خود روی برتابید و از دادن اندک مال به او که اگر ندهید چیزی بر ثروت شما نمی افزاید و اگر بدهید چیزی کم نمی شود. دریغ نکنید! هر که از خویشان خود دست کشد، یک دست از آنان باز گرفته، اما دست های فراوانی از خود کنار زده است.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

امام متقین علیه السلام:

آن کس که با قوم و خویشان خود نرم خو و مهربان باشد، دوستی و محبت همیشگی آنان را به دست آورد.

نهج البلاغه، خطبه ۲۳

امام متقین علیه السلام:

(فرض الله) صلّی الرحم منماه للعدد خداوند صلّه را برای کثرت نفرات واجب گردانید.

نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

امام متقین علیه السلام:

من آتاه الله مالا، فليصل به القرابه، وليحسن منه الضيافه هر کسی که خدا به او مالی داد به نزدیکان خود پردازد

و مهمان نوازی کند

نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲

امام متقین علیه السلام:

من نظرفی عیب نفسی، اشتغل عن عیب غیره هر که در عیب خود بنگرد، عیب دیگران را از یاد ببرد

نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹

امام متقین علیه السلام:

اکبر العیب اءن تعیب ما فیک مثله.

بزرگ ترین عیب آن است که آن چه را که خود داری، بر

دیگر عیب شماری

نهج البلاغه، حکمت ۳۵۳

امام متقین علیه السلام:

از کارهای شرافتمندانه مرد کریم آن است که از آن چه که می داند خود را به غفلت می زند (و عیب دیگران را نادیده می پندارد)

نهج البلاغه، حکمت ۲۲۲

امام متقین علیه السلام:

لا يعاب المرء بتاخير حق، انما يعاب من اخذ ما ليس له آدمی را عیب نیست که حقش به تاخیر افتد. همانا عیب آن است که دست به ناحق برآرد.

نهج البلاغه، حکمت ۱۶۶

امام متقین علیه السلام:

گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست و هیچ مالی از رضامندی به قوت مقدر، حاجت برآورتر نیست و کسی که به مقدار نیاز اکتفا کند، به راحتی دست یابد و در آسایش جایگزین است.

نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱

امام متقین علیه السلام:

خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد و برای روز حساب کار کند و به آن چه برای گذراندن زندگی او کافی است قناعت نماید و از خدا آن چه برای او خواسته، راضی باشد.

نهج البلاغه، حکمت ۴۴

امام متقین علیه السلام:

مباش از کسانی که بدون عمل چشم امید به آخرت دوخته اند، درباره دنیا سخن پارسایان را به زبان می آورند. در حالی که کردار او عمل مشتاقان به دنیا را نشان می دهد. اگر از دنیا به او داده شود سیر نمی گردد و اگر از دنیا بی نصیب باشد قناعت نمی کند.

نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰

امام متقین علیه السلام:

ماء وجهک جامد یقطره السؤال، فانظر عند من تقطره
آبروی تو یخ بسته است که سؤال و خواهش آنرا قطره قطره می چکاند. پس، بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می چکانی؟!
نهج البلاغه، حکمت ۲۴۶

امام متقین علیه السلام:

فوت الحاجه، اءهون من طلبها الی غیر اهلها
با نیازمندی به سربردن آسان تر است تا دست نیاز به سوی نااهل درازکردن.

نهج البلاغه، حکمت ۶۶

امام متقین علیه السلام:

من ضن بعرضه فلیدع المراء
کسی که به آبروی خود علاقه مند است باید مجادله را رها کند.

نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲

امام متقین علیه السلام:

هر کس از شما، بتواند خدای تعالی را با دستی نیالوده به خون و اموال مسلمانان و زبانی سالم از لطمه زدن به آبروی آنان دیدار کند، چنین کند.

نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶

امام متقین علیه السلام:

آبروی خود را آماج تیرهای سخن (مردم) قرار مده!

نهج البلاغه، نام ۶۹